

عنوان مقاله

بررسی الگوهای مصرف از منظر ارزش های اسلامی

نویسندگان:

محمدرضا برات نژاد*

کارشناسی ارشد جامعه شناسی

ملیحه اکبری خانقاه*

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی

آدرس محل کار: مشهد-میدان آزادی- پردیس دانشگاه فردوسی-سازمان مرکزی جهاد دانشگاهی واحد مشهد

پست الکترونیکی: maliheh.akbari@yahoo.com

Reza.Baratnejad@yahoo.com

تلفن: ۰۵۱۱۸۸۳۳۳۶۰ - ۰۹۱۵۵۲۳۳۶۵۷ (اکبری)

۰۹۱۵۵۰۳۲۷۷۱ (برات نژاد)

* عضو گروه پژوهشی علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد
* عضو گروه پژوهشی علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد

بررسی الگوهای مصرف از منظر ارزشهای اسلامی

چکیده

مصرف نوعی عمل اجتماعی است که تابع فرهنگ هر جامعه است. فرهنگ مجموعه ای از باورها، ارزشها، هنجارها و نمادهاست. عمل انسان با قواعد و هنجارهایی همراه است که این قواعد و هنجارها مبتنی بر ارزشها و باورهاست. مصرف نیز به عنوان یک عمل تابع هنجارهایی است و آنچه با عنوان الگوی مصرف از آن یاد می شود در واقع همان هنجارهای حاکم بر عمل مصرف است. اصطلاح الگوی مصرف یعنی اصلاح هنجارهای رایج بر عمل مصرف. به نظر میرسد هنجارهای حاکم بر رفتار مصرف در جامعه مدرن حاضر تناسب چندانی با ارزشهای موجود در متون و منابع دینی یعنی کتاب و سنت ندارد و ای بسا منبعث از فرهنگ مصرف گرای مدرن باشد. نخستین گام برای اصلاح الگوی مصرف شناخت ارزشهای اسلامی مربوط به مصرف است. در این مقاله تلاش شده تا با بهره گیری از برخی متون اصلی دین یعنی قرآن و سخنان پیامبر و امام علی ارزشهای مربوط به مصرف معرفی شوند. این ارزشها اجمالا در حوزه مفهومی اسراف و میانه روی قرار میگیرند. به عبارت دیگر تکیه اساسی این متون تاکید بر میانه روی و پرهیز از اسراف است.

مفاهیم اساسی: رفتار، عمل، فرهنگ، باور، ارزش، هنجار، نماد، اسراف، میانه روی.

مقدمه :

در این مقاله هدف ما تبیین و تشریح الگوی مصرف از منظر ارزشهای اسلامی است. برای رسیدن به این منظور برخی مفاهیم اساسی جامعه شناسی و نظریه کنش اجتماعی پارسنز را به عنوان چارچوب مفهومی مورد استفاده قرار خواهیم داد. به نظر ما مصرف نوعی عمل است که تحت تاثیر فرهنگ حاکم بر جامعه صورت می پذیرد. الگوی مصرف نیز چیزی جز همان هنجارهای حاکم بر عمل که خودبرخواسته از ارزشها و درنهایت فرهنگ جامعه می باشد نیست. با تامل وجستجوهای اولیه به این نتیجه رسیدیم که دومفهوم "اسراف" و "میانه روی" میتوانند حوزه مفهومی الگوی مصرف در چارچوب ارزشهای اسلامی را بیان کنند بنابراین برای انتخاب عناصر هنجاری از متون دینی از این مفاهیم کمک جسته ایم. همانگونه که یادآور شدیم چون چارچوب نظریه کنش پارسنز قالب مناسبی برای توضیح چگونگی شکل گیری کنش میباشد و مصرف نیز نوعی کنش بوده که هنجارهایی بر آن حاکم است بنابراین در ادامه مفاهیم اصلی این چارچوب نظری یعنی رفتار، عمل، فرهنگ و عناصر آن یعنی باورها، ارزشها و هنجارها را به اختصار توضیح داده و سپس بر این اساس به استخراج و معرفی هنجارهای اسلامی مربوط به رفتار مصرف خواهیم پرداخت.

- ۱- رفتار (behaviour) رایج ترین تعریفی که از رفتار میتوان داد این است که رفتار پاسخی است که ارگانسیم به محرک بیرونی می دهد. به بیان دیگر رفتار واکنشی است که در برابر یک عمل یا کنش بیرونی از موجود زنده سر می زند. این رفتار در انسان پیچیده تر از سایر موجودات است. دلیل این پیچیدگی فرایندهای ذهنی گسترده و تو درتوی انسان است که روی هم رفته موضوع دانش روانشناسی را تشکیل می دهد. (اتکینسون، ۱۳۸۱). البته با توجه به انتقاداتی که بر این تعریف وارد شده برخی آن را وسعت بیشتری بخشیده و گفته اند که رفتار هر نوع حرکتی است که بر اثر محرک یا انگیزه به طور خودآگاه یا ناخودآگاه از انسان سر میزند.
- ۲- عمل (action): عمل یا کنش را میتوان همان رفتار معنی دار دانست که در برابر رفتار بازتابی قرار میگیرد. و منظور از معنا نیز مدلول عمل است. به عبارتی هرگاه رفتار انسان به طور قراردادی برامری دلالت کند این رفتار نوعی عمل است.

۳- فرهنگ (cultur)

در میان مفاهیم و مقولات مربوط به انسان کمتر مفهومی را می توان یافت که همچون مفهوم فرهنگ با مشکل تعریف مواجه باشد. ما در اینجا ضمن توضیح مختصری درباره فرهنگ، عناصر اصلی آن را که در این پژوهش مورد نظر ما است، بیان خواهیم کرد:

اگر جامعه را همچون گروه وسیعی در نظر آوریم که افراد آن با یکدیگر در حال کنش متقابل مستمر هستند، آنچه استمرار و دوام این کنش های متقابل و در نتیجه دوام گروه و جامعه را تضمین خواهد کرد، معنا دار بودن کنش های انسانی است. البته این کنش های متقابل هنگامی ایجاد پیوستگی میان افراد جامعه می کنند که دارای معنایی مشترک میان آن ها باشند. پس معانی مشترک بین افراد اساس تعامل مستمر و احساس پیوستگی آنان است. گروه اجتماعی می تواند بسیار بزرگ و پر جمعیت مانند یک ایل و قبیله یا مانند یک ملت باشد که بر اساس این معانی مشترک میان خود با یکدیگر در حال تعامل مستمر هستند. معانی مشترک میان افراد یک گروه یا جامعه را می توانیم "فرهنگ" بنامیم (صدیق اورعی : ۱۲۳).

- عناصر اصلی فرهنگ

عناصر تشکیل دهنده فرهنگ در چهار گونه ی "باورها"، "ارزش ها"، "هنجارها" و "نمادها" ظاهر می شوند که توضیح هر کدام، ارتباطشان و تناسب آن ها با تعریف ارائه شده، بیان می شود:

- باورها :

فرهنگ در اساس خود، باور است و انسان ها بر اساس باورهای خود عمل می کنند. باورها را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف- باورهای هستی شناختی :

این باورها از واقعیت ها خبر می دهند و درباره هست و نیست و بود و نبود امور صحبت می کنند. مانند خدا هست، حضرت محمد (ص) فرستاده خداوند است و

ب- باورهای ارزش شناختی :

این باورها، بیان خوبی (ارزش) و بدی (ضد ارزش) هستند. مانند عدالت خوب است، ظلم بد است و... به بیان باورهای ارزش شناختی، قضاوت ارزشی می گویند و معمولاً ما از دقت در قضاوت های ارزشی مردم به ارزش و ضد ارزش نزد آنان پی می بریم. یعنی واقعیت قابل مشاهده علمی قضاوت ارزشی است و ارزش مفهوم اصطلاحی است که از آن توسط دانشمند انتزاع می شود.

ج- باورهای زیباشناختی

باور به زیبایی یا زشتی امور است، مانند گل یاس زیبا است، رنگ سبز زیباست، رنگ مشکی زشت است و ... باید توجه کرد که باور به زیبایی یا زشتی مساوی با باور به خوبی یا بدی نیست.

- ارزش ها:

اگرچه به مفهوم (ارزش) در بحث از (باورها) اشاره کردیم و یکی از اقسام باورها را (باورهای ارزش شناختی) دانستیم که بیان خوبی و بدی بود، ولی خود مفهوم ارزش نیز نیازمند توضیح بیشتری است. گی روشه در تعریف ارزش می گوید: شیوه ای از بودن یا عمل که یک شخص یا یک جمع به عنوان یک آرمان می شناسد و افراد یا رفتارهایی را که بدان نسبت داده می شود، مطلوب و مشخص می سازد. ارزش ها در نظام آرمانی وجود داشته و به صورت عینی قابل رؤیت نیست، گرچه مسائل و حوادث یا رفتارها می توانند از ارزش ها الهام بگیرند. از این رو، ارزشها به صورت هنجار و نماد قابل مشاهده هستند. گی روشه برای ارزش-ها چند ویژگی ذکر می کند که عبارتند از: تفاوت ارزش ها در زمان و مکان خاص، بار عاطفی ارزش ها به این معنا که ارزش ها الزاماً مبنای عقلانی و منطقی ندارند. بلکه ترکیبی از استدلال و عواطف هستند و بالاخره سلسله مراتبی بودن ارزش ها و یا وجود مقیاسی از ارزشها در جامعه (گی روشه، ۱۳۷۰: ۸۰-۷۶).

- هنجارها :

هنجارها، قواعد جمعی رفتار یا دستور العمل هایی هستند که بر رفتار افراد در جوامع مختلف حاکم هستند. معمولاً هنجارها مبتنی بر ارزش های مورد قبول جامعه هستند. هنجارها را می توان به چهار نوع اجتماعی، اخلاقی، قانونی و رویه ای تقسیم کرد. هنجارهای اجتماعی حوزه عمل را محدود می سازند. ارزش ها و قواعد اخلاقی به عنوان ستاره های راهنما جهت کلی عمل را تعیین می کنند. هنجارهای قانونی ناظر به پیامدهای عمل هستند و اثر انتخابی روی آنها دارند و اعمال را معمولاً در چارچوب هنجاری مشخص می سازند. هنجارهای رویه ای مقتضیات عقلی و فنی عمل را مشخص می سازند (چلبی، ۱۳۷۵: ۹۶).

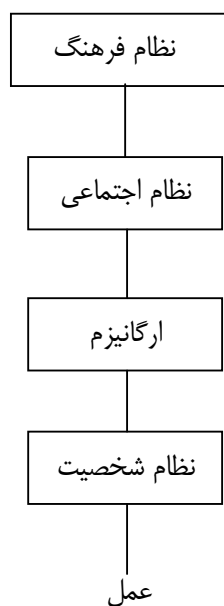
- نمادها:

نمادها، علائم قرار دادی هستند که بر مدلول خود دلالت دارند. نمادگرایی از مشخصه‌های بارز انسان به شمار می‌رود و تقریباً تمامی امور زندگی انسان‌ها شکل نمادین داشته و از طریق همین نمادهاست که ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و امکان زندگی جمعی فراهم می‌شود. (گی‌روشه، ۱۳۷۰: ۱۰۸-۱۰۲).

نگاهی به نظریه کنش پارسنز:

انسانها براساس باورهای مشترک و نمادهای قابل تفاهم عمل اجتماعی انجام می‌دهند و شکل معینی از عمل یعنی هنجارها نمادهای قابل تفاهم هستند که عمل تحقق بخشیدن آن است. پس تعامل براساس فرهنگ انجام می‌شود. پارسنز روند تحقق عمل را براساس نسبت نظام فرهنگ و نظام اجتماعی توضیح میدهد.

پارسونز نظام اجتماعی را شبکه‌ای (مجموعه مرتبطی) از نقشها می‌داند. نقشها عبارتند از هنجارهای خاص یک موقعیت اجتماعی. می‌دانیم که پارسونز به ارتباط سیبرنتیک بین نظامهای فرهنگ، اجتماعی، شخصیت و ارگانیزم قایل بوده است و فرهنگ نظام اجتماعی را تحت کنترل اطلاعاتی دارد و نظام اجتماعی نظام شخصیت را و نظام شخصیت ارگانیزم را تحت کنترل اطلاعاتی دارد و عمل تحت تاثیر این چهار نظام است. این مطلب چارچوب نظریه کنش اجتماعی پارسونز است.



بنابراین عمل آدمی که توسط ارگانسیم اورخ میدهد بر مبنای شخصیت شکل گرفته که خود تحت تاثیر نظام اجتماعی و در نهایت نظام فرهنگ است .

در میان عناصر فرهنگ یعنی باورها ، ارزشها ، هنجارها و نمادها که قبلا به آن اشاره کردیم نوعی رابطه طولی برقرار است یعنی هنجارها که قواعد حاکم بر رفتارند ریشه در ارزشها داشته و متاثر از آنهایند و ارزشها نیز برخاسته از باورها میباشند .

اکنون با استفاده از متون و منابع اصلی دین یعنی کتاب (قرآن) و سنت (سخنان پیامبر و امام علی) به معرفی ارزشهای مربوط به مصرف پرداخته و در نهایت به معرفی هنجارها یا الگوهای مصرف از منظر ارزشهای دین خواهیم پرداخت .

الف - قرآن کریم :

۱- يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾

ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگزید و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد (۳۱) (سوره اعراف آیه ۳۱)

۳- وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾

و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن (۲۶)

۴- إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾

چرا که اسرافکاران برادران شیطانهایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است (۲۷)

۵- وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿٢٩﴾

و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی

(۲۹)

۶- إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٣٠﴾

بی‌گمان پروردگار تو برای هر که بخواهد روزی را گشاده یا تنگ می‌گرداند در حقیقت او به [حال] بندگانش آگاه بیناست (۳۰) (سوره اسراء)

ب - نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم «ص»

۱- أفة الشجاعة البغي و أفة الحسب الافتخار و أفة السماحة المن و أفة الجمال الخيلاء و أفة الحديث الكذب و أفة العلم النسيان و أفة الحلم السفه و أفة الجود السرف و أفة الدين الهوى.

سرکشی آفت شجاعت است، تفاخر آفت شرافت است، منت آفت سماحت است، خود پسندی آفت جمال است، دروغ آفت سخن است فراموشی آفت دانش است، سفاهت آفت بردباری است، اسراف آفت بخشش است، هوس آفت دین است. (نهج الفصاحه حدیث یکم)

۲- إن من السرف أن تأكل كل ما اشتهيت.

یکی از اقسام اسراف اینست که هر چه می‌خواهی بخوری. (نهج الفصاحه حدیث ۹۱۸)

۳- كلوا و اشربوا و تصدقوا و ألبسوا فی غیر إسراف و لا مخيلة.

بخورید و بنوشید و صدقه دهید و بپوشید بی اسراف و تکبر. (نهج الفصاحه حدیث ۲۱۸۱)

۴- من قدر رزقه الله و من بذر حرمه الله.

هر که اندازه نگه دارد خدایش روزی دهد و هر که اسراف کند خدایش محروم دارد. (نهج الفصاحه حدیث

۲۷۵۴)

۵- من اقتصد أغناه الله، و من بذّر أفقره الله، و من تواضع رفعه الله، و من تجبر قصمه الله
هر که میانه روی کند خدا بی نیازش کند و هر که اسراف کند خدا فقیرش کند و هر که فروتنی کند
خدایش بر دارد و هر که بزرگی فروشد خدایش درهم شکند. (نهج الفصاحه حدیث ۲۹۳۹)

۶- الإقتصاد نصف العیش و حسن الخلق نصف الدین.

میانه روی یک نیمه معیشت است و خوش خلقی یک نیمه دین است. (نهج الفصاحه حدیث ۱۰۵۸)

۷- الإقتصاد فی النّفقة نصف المعیسة و التّودّد إلى النّاس نصف العقل و حسن السّؤال نصف العلم.

میانه روی در خرج یک نیمه معیشت است و دوستی با مردم یک نیمه عقل است و خوب پرسیدن یک
نیمه دانش است. (نهج الفصاحه حدیث ۱۰۵۷)

۸- التّوّد و الإقتصاد و السّمت الحسن جزء من أربعة و عشرين جزء من النّبوة.

تانی و صرفه جوئی و نیکنامی یک جزء از بیست و چهار جزء پیغمبری است. (نهج الفصاحه حدیث ۱۲۰۹)

۹- السّمت الحسن و التّوّد و الإقتصاد جزء من أربعة و عشرين جزء من النّبوة.

نام نیک و ملایمت و اعتدال یک جزء از بیست و چهار جزء پیغمبری است. (نهج الفصاحه حدیث ۱۷۷۸)

۱۰- أفضل الدنانیر دینار ینفقه الرّجل علی عیاله.

بهترین پولها پولی است که انسان برای نان خوران خود خرج میکند. (نهج الفصاحه حدیث ۳۹۹)

۱۱- أنفقى و لا تحصى فیحصى الله علیک و لا توعى فیوعى الله علیک.

خرج کن و حساب مکن که خدا بر تو حساب کند و بخل موز که خدا بر تو بخل ورزد. (نهج الفصاحه

حدیث ۵۶۶)

۱۲- أول ما يوضع فى ميزان العبد نفقته على أهل

نخستین چیزیکه در ترازوی بنده میگذارند خرجی است که برای کسان خود کرده است. (نهج الفصاحه

حدیث ۹۸۳)

۱۳- دخلت الجنة فرأيت فى عارضتى الجنة مكتوبا ثلاثة أسطر بالذهب: السطر الأول «لا إله إلا الله

محمد رسول الله» و السطر الثانى «ما قدمنا وجدنا و ما أكلنا ربحنا و ما خلفنا خسرنا» و السطر الثالث «أمة مذنبه

و رب غفور».

ببهشت در آمدم و دیدم که در دو نمای آن سه سطر به طلا نوشته بود سطر اول چنین بود: «خدائی جز

خدای یگانه نیست و محمد پیغمبر خداست.» و سطر دوم چنین بود: «آنچه را از پیش فرستادیم یافتیم و آنچه

را مصرف کردیم از آن سود بردیم و آنچه را عقب گذاشتیم از دست دادیم.» سطر سوم چنین بود: «امتی

گناهکار است و پروردگاری بخشنده» (نهج الفصاحه حدیث ۱۵۵۸)

۱۴- الدنيا خضرة حلوة من اكتسب فيها مالا من حلّه و أنفقه فى حقّه أثابه الله عليه و آورده جنته و من

اكتسب فيها مالا من غير حلّه و أنفقه فى غير حقّه أحله الله دار الهوان.

دنیا شیرین و دوست داشتنی است هر که در دنیا مالی از حلال بدست آورد و به حق خرج کند، خدایش

پاداش دهد و ببهشت در آورد هر که مالی از غیر حلال به دست آورد و بناحق خرج کند خدا او را بجهنم در

آورد. (نهج الفصاحه حدیث ۱۵۹۶)

۱۵- الدنيا دار من لا دار له و مال من لا مال له و لها يجمع من لا عقل له.

دنیا خانه کسی است که خانه ندارد و مال کسی است که مال ندارد و کسی برای دنیا مال فراهم میکند که

عقل ندارد. (نهج الفصاحه حدیث ۱۵۹۷)

ج (نهج البلاغه) سخنان علی (ع)

۱- اءَلا وَ اِنَّ اِِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ اِسْرَافٌ، وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا، وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ، وَ يُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ، وَ يُهَيِّنُهُ عِنْدَ اللّٰهِ، وَ لَمْ يَضَعْ اَمْرُؤُا مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ لَا عِنْدَ غَيْرِ اَهْلِهِ اِلا حَرَمَهُ اللّٰهُ شُكْرَهُمْ، وَ كَانَ لِغَيْرِهِ وَ دُهُمُ، فَاِنْ زَلَّتْ بِهِ النَّعْلُ يَوْمًا فَاَحْتِاجَ اِلَى مَعُوْتَتِهِمْ، فَشَرُّ خَدِيْنٍ وَ اِءْتَاءِمْ خَلِيْلٍ.

بخشیدن مال به کسی که حق او نباشد، خود گونه ای تبذیر و اسراف است که بخشنده را در این جهان بر می افرازد و در آن دنیا پست می سازد. در میان مردم مکرّمش می دارد و در نزد خدا خوار می گرداند. هرکس دارایی خود را بیجا صرف کند و به ناهلش بیخشد، خداوند از سپاسگزاری آنها محروم می گرداند. آنان به جای او، دیگری را به دوستی خواهند گرفت و اگر روزی او را حادثه ای پیش آید و به یاریشان نیاز افتد، آنها را بدترین یاران و سرزنش کننده ترین کسان خود خواهد یافت. (نهج البلاغه کلام ۱۲۶).

۲- فَدَعِ الْاِسْرَافَ مُقْتَصِدًا، وَ اذْكُرْ فِي الْيَوْمِ غَدًا، وَ اَمْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرْوَرَتِكَ، وَ قَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ، اَتَرْجُو اَنْ يُعْطِيَكَ اللّٰهُ اَجْرَ الْمُتَوَاضِعِيْنَ، وَ اَنْتَ عِنْدَهُ مِنَ الْمُتَكَبِّرِيْنَ، وَ تَطْمَعُ وَ اَنْتَ مُتَمَرِّغٌ فِي النَّعِيْمِ تَمْنَعُهُ الضَّعِيْفَ، وَ الْاَرْمَلَةَ اَنْ يُوَجِبَ لَكَ ثَوَابَ الْمُتَصَدِّقِيْنَ، وَ اِنَّمَا الْمَرْءُ مَجْزِيٌّ بِمَا اَسْلَفَ وَ قَادِمٌ عَلٰى مَا قَدَّمَ. وَ السَّلَامُ

از زیاده روی بپرهیز و میانه روی پیشه کن . امروز به فکر فردایت باش. از مال به قدر نیازت نگهدار و آنچه افزون آید ، پیشاپیش برای روزی که بدان نیازمند گردی، روانه دار. آیا امید آن داری که خداوندت پاداش متواضعان دهد ، در حالی که، در نزد او از متکبران هستی . آیا در حالی که، خود در ناز و نعمت فرو رفته ای و آن را از ناتوانان و بیوه زنان دریغ می داری، طمع در آن بسته ای که ثواب صدقه دهندگانت دهند ؟ آدمی به آنچه پیشاپیش فرستاده ، پاداش ببند و بر سر آن رود که از پیش روانه داشته. (نهج البلاغه نامه ۲۱)

۳- وَ قَالَ [عَلَيْهِ السَّلَام] طُوبٰى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ وَ طَابَ كَسْبُهُ وَ صَلَحَتْ سَرِيْرَتُهُ وَ حَسَنَتْ خَلِيْقَتُهُ وَ اَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ اَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ لِسَانِهِ وَ عَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ وَ وَسِعَتْهُ السُّنَّةُ وَ لَمْ يُنْسَبْ اِلٰى الْبِدْعَةِ.

قال الرضى أقول و من الناس من ينسب هذا الكلام إلى رسول الله ص و كذلك الذى قبله.

درد خدا بر او ، فرمود : خوشا به حال آن کس که خود را کوچک می شمارد ، و کسب و کار او پاکیزه است ، و جانش پاک ، و اخلاقش نیکوست ، مازاد بر مصرف زندگی را در راه خدا بخشش می کند ، و زبان را از زیاده گویی باز می دارد و آزار او به مردم نمی رسد و سنت پیامبر (ص) او را کفایت کرده ، بدعتی در دین خدا نمی گذارد (نهج البلاغه ، حکمت ۱۲۳)

۴- ، مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ، وَ مَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ، وَ مَسِيئُهُمُ التَّوَاضُّعُ،

گفتارشان به صواب مقرون است و راه و رسمشان بر اعتدال و رفتارشان با فروتنی آمیخته . (نهج البلاغه خطبه ۱۸۴ خطبه متقین)

- توضیحی بر آیات و روایات :

مجموعه چند آیه ای که از قرآن کریم نقل شد دردو دسته قابل دسته بندی است :

- دسته نخست توصیف مسرفین است : مسرفین یا مبذبین برادران شیطان بوده و چون شیطان نسبت به خداوند ناسپاس است پس اسراف و تبذیر هم نوعی ناسپاسی نسبت به پروردگار محسوب می شود . از ویژگیهای دیگر مسرفین آن است که وقتی باسختی و دشواری در زندگی مواجه می شوند خداوند رابه یاری میطلبند و چون خداوند به کمک آنها آمده و مشکلات آنها رفع میشود خدا را از زیاد میبرند چنان که گویی اصلا مشکلی نداشته اند .

- دسته دوم آیتی است که ضمن توصیه به میانه روی و اعتدال در مصرف انسانها را از اسراف و زیاده روی منع میکند: امر به اینکه بخورید و بیا شامید ولی اسراف نکنید . درمسجد و هنگام عبادت باید آراسته باشید و نیز میباید حق خویشاوندان و نیازمندان را اداکنید لکن از زیاده روی بپرهیزید . و نیز اینکه درمصرف میباید اعتدال را حفظ کرد. نه بخل ورزیده و نه چنان گشاده دستی و اسراف کرد که ندامت به دنبال داشته باشد .

مجموعه احادیث منقول از پیامبر اکرم (ص) نیز درسه دسته قابل توضیح است : دسته نخست احادیثی است که درمقام توصیف مفهوم اسراف و نقطه مقابل آن یعنی اعتدال و میانه روی پرداخته اند . یکی از مصادیق اسراف آن است که آدمی هرچه راطبعش از اوخواست بخورد . میانه روی وعدم اسراف نیمی از معیشت و یکی از اوصاف پیامبران است . دسته دوم احادیثی است که به بیان آثار و تبعات اسراف پرداخته

و آثار نقطه مقابل آن یعنی میانه روی را هم گوشزد میکند : اسراف آفت بخشش است و سبب میشود تا این صفت از آدمی ستانده شود. اسراف موجب محرومیت آدمی از رزق الهی شده و در نتیجه فقر رابه دنبال خواهد داشت و در عوض میانه روی موجب نزول نعمتهای الهی و بی نیازی از مردم می شود . دسته سوم سخنان پیامبر توصیه آمیز است : بخورید و بپوشید ولی اسراف نوزید . مال و دارایی خود را خرج کرده و زیاد حسابگر نباشید و بخل نوزید مال را از راه حلال بدست آورده و به حق مصرف نمایید . بالاخره در سخنان پیامبر نکته دیگری که در باب چگونگی مصرف به آن اشاره شده این است که آدمی دارایی خود را در وهله نخست برای کسان و نزدیکانش خرج کند : بهترین پول آن است که خرج کسان آدمی میشود .

در بیانات امام علی (ع) هم دو مقام توصیف و توصیه در امر مصرف مشاهده میشود . ایشان یکی از مصادیق اسراف را اعطاء مال به افرادی که حق آنها نیست دانسته اند که احتمالاً ناظر به مدیریت جامعه میشود گرچه در سطوح خرد و رفتار آدمیان نیز میتواند مطرح باشد . صرف بی جای دارایی و بخشش آنها به ناهلان نحرومت آدمی از سپاس آنها رادری خواهد داشت. در مقام توصیه به مردم گوشزد و سفارش میکنند که مال را در حد نیاز خویش نگه دارید و مازاد بر آن را در راه خدا و به مصرف نیازمندان جامعه برسانید . ایشان یکی از اوصاف پارسایان را میانه روی در پوشش میدانند که میتواند به همه امور زندگی تعمیم داده شود .

تحلیل و نتیجه گیری :

در این مقاله هدفمان بررسی الگوی مصرف از دیدگاه ارزشهای اسلامی بوده است . به نظر ما اگر بخواهیم به این موضوع بانگاهی جامعه شناختی بنگریم میتوانیم بگوییم که "مصرف" نوعی رفتار بوده که از قواعد و "هنجارهایی" تبعیت میکند. اساساً الگو نیز نمیتواند چیزی جز هنجارهای وقواعدی باشد که رفتار را شکل میدهند و هنگامی که از اصلاح الگوی مصرف سخن می رود قاعدتاً باید منظور از آن تغییر هنجارهایی باشد که سازنده رفتارند . در مباحث مفهومی و توضیح نظر پارسنز گفتیم که رفتار آدمی که توسط ارگانسیم جسمی او انجام می شود تابعی از نظام شخصیت بوده که با واسطه نظام اجتماعی از نظام فرهنگ تاثیر می پذیرد و فرهنگ همان مجموعه باورها ، ارزشها و هنجارهاست که رفتار را شکل می دهند . رفتار مصرفی ایرانیان که در حال حاضر مشاهده می شود و به باور بسیاری از الگوها یا هنجارهای نامناسی تبعیت میکند میتواند تحت تاثیر نظام ارزشی خاصی قرار گرفته باشد که با نظام ارزشی دینی آنگونه که در تعالیم دینی - کتاب و سنت - توصیف

شده فاصله دارد. اگر این نکته را هم بپذیریم که فرهنگ کنونی ما فرهنگ‌گست مرکب از سه فرهنگ ایران باستان، فرهنگ اسلامی و غربی میتوان اذعان کرد که در حال حاضر به دلیل غلبه رسانه ای فرهنگ غرب عناصر فرهنگی مربوط به مصرف بیشتر تحت تاثیر این فرهنگ قرار گرفته و از فرهنگ دینی فاصله گرفته است. به هر حال اگر بخواهیم بر مبنای تعالیم دینی به ارائه الگو برای رفتار مصرفی پرداخته و به هنجارسازی مبادرت کنیم باید به نکات ذیل که برگرفته از متون اسلامی اشاره شده در این مقاله هستند توجه کرد:

- مفاهیم اسراف، تبذیر، میانه روی و اعتدال حوزه مفهومی الگوی مصرف را تشکیل میدهند.

- اسراف به معنای زیاده روی است و اگر گفته شده است که یکی از مصادیق اسراف آن است که هر چه را دلت خواست بخوری. میتوان گفت به معنای رفتار کردن بدون توجه به الگوها و هنجارهای پذیرفته شده دینی در حوزه مصرف است. که در تمامی زمینه ها قابل تعمیم است.

- میانه روی که برخلاف اسراف تابع قاعده و هنجار است در همه جا توصیه شده و مورد تاکید قرار گرفته است. نه تنها مدیران و برنامه ریزان جامعه میباید در تقسیم دارائیهای جامعه میان نیازمندان توجه کنند که به افراد در حد نیازشان رسیدگی کنند بلکه توده مردم نیز در مقام انفاق که امری پسندیده است نیز میباید رعایت قواعد را نموده و اولاً به نیازمندان کمک نموده و ثانياً در مقام کمک نیز اعتدال را رعایت کنند.

- مصرف مال اگر بر اساس قواعد پذیرفته دینی باشد امری ممدوح و پسندیده است و به همین خاطر در مقام مصرف مال نوعی اولویت و سلسله مراتب پذیرفته شده است. کسی که خداوند برایش گشایشی در زندگی حاصل میکند و درآمدش بیشتر شده اما به کسان و اعضای خانواده اش سخت گرفته و زندگی بهتری برای خودش فراهم نمیکند مورد نکوهش قرار گرفته است.

آنچه گفته شد میتواند ما را با حوزه مفهومی و برخی هنجارها و قواعد مربوط به رفتار مصرف از منظر ارزشهای اسلامی آشنا کند.

منابع و مأخذ

- ۱- اتکینسون ، هیلگارد(۱۳۸۱)، زمینه روانشناسی ، جلد اول ، ، ترجمه براهنی و همکاران ، تهران ، نشر رشد
- ۲- چلبی ، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم ، نشرنی ، چاپ اول
- ۳- صدیق اورعی ، غلامرضا ، گزارش تحقیق نظام اجتماعی خانواده ، جهاد دانشگاهی مشهد
- ۴- گی روشه(۱۳۷۰) ، کنش اجتماعی ، ترجمه همازنجانی زاده ، چاپ دوم ، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد
- ۵- محسنی ، منوچهر(۱۳۷۰) ، جامعه شناسی عمومی ، کتابخانه طهوری
- ۶- نهج البلاغه(۱۳۷۸) ، ترجمه، حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین انصاریان، ویراستار حسین استاد ولی، چاپ اول، تهران ، انتشارات پیام آزادی،
- ۷- نهج الفصاحه – مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص) با ترجمه فارسی بانضمام فهرست موضوعی(۱۳۷۶)
- مترجم و فراهم آورنده ابوالقاسم پاینده. چاپخانه مهارت، ایران
- ۸-قرآن کریم ، ترجمه فولادوند